



طرح تربیت بهداشت‌کار دهان و دندان یا همان «قانون تربیت بهداشت‌کار دهان و دندان» برای گسترش خدمات درمانی و بهداشتی در روستاها، با تصویب مجلس در ابتدای دهه ۶۰ در کشور اجرا شد.

هدف از تصویب و اجرای این طرح، تربیت نیروهای حد واسط برای خدمت در مراکز بهداشتی و درمانی مناطق محروم روستایی و شهرهای کم جمعیت بود؛ چراکه در آن بازه تاریخی جمعیت روستائیان و مناطق محروم ایران به طور کل از سرویس و خدمات بهداشت و در مان دهان و دندان محروم بودند.

طرح بهداشت‌کاران دهان و دندان در کمتر از ۱۰ سال حدود ۶ هزار نیروی انسانی را در اختیار وزارت بهداشت و سیستم شبکه بهداشت گذاشت؛ اما ایسن وضعیت و خدمت به مناطق محروم نیز موقتی بود و علاوه بر تعطیلی طرح، بهداشت‌کاران با ۶ سال سابقه خدمت، رفته‌رفته در دانشکده‌های دندان‌پزشکی پذیرفته شدند و با دریافت مدرک دکتری دندانپزشکی، دیگر تمایلی به حضور در روستاهای محل خدمت خود نداشتند.

براساس طرح‌های تحول سلامت و بهداشت‌دهان و دندان در دوره وزارت هاشمی، مجدداً مسئله جذب و تربیت نیروهای حد واسط دندانپزشکی یا همان بهداشت‌کاران دهان و دندان مطرح شد و به‌منظور ارائه خدمات درجه ۱ و ۲ دندانپزشکی در مراکز بهداشت و خانه‌های سلامت و کمک به امر پیشگیری و مراقبت از دندان‌ها، برخی دانشکده‌های علوم پزشکی مانند علوم پزشکی شیراز، گرایش به طور محدود در مقطع کاردانی، بهداشت‌کار دهان و دندان و در برخی رشته‌ها تکسپین‌های سلامت دهان جذب شد؛ اما به دلیل کمبود بودجه و نبود ردیف مشخص استخدامی، فارغ‌التحصیلان این دوره شسته، علی‌رغم داشتن تعهد خدمت ولی در خانه‌های بهداشت به‌کار گرفته نشدند و پس از فارغ‌التحصیلی بیکار ماندند.

آن‌طور که شنیده می‌شود وزارت بهداشت قصد دارد با برگزاری آزمون، بهداشت‌کاران را به دانشجویان دکتری دندانپزشکی تبدیل کند. این آزمون از سوی دندانپزشکان مورد انتقاد قرار گرفته و برای لغو شدنش، کارزاری نیز ثبت کرده‌اند. از جمله انتقادهای جدی دندانپزشکان این است که برگزاری چنین آزمونی، راتی محسوس برای جمعیت کمی از بهداشت‌کاران دهان و دندان به حساب خواهد آمد؛ چراکه دندانپزشکی یکی از رشته‌های سطح بالا و پرطرفدار بین رقابت‌کنندگان کنکور سراسری است و برگزاری چنین آزمونی، فرصتی راحت برای قبولی در رشته دندانپزشکی است. گذشته از این، اهداف طرح تربیت بهداشت‌کار دهان و دندان، دسترس‌پذیر شدن خدمات اولیه دندانپزشکی برای مناطق محروم و روستاها بود. این درحالی است که پس از تربیت بهداشت‌کاران دهان و دندان و اخذ مدرک دکتری دندانپزشکی توسط بهداشت‌کاران سابق، شاهد بودیم که این افراد دیگر علاقه‌ای به خدمت و فعالیت در مناطق محروم و روستاها نداشتند و از اهداف اصلی طرح که قابل دسترس شدن خدمات دندانپزشکی برای مناطق محروم بود، دور شدیم. در پاسخ‌های رسمی به اعتراض دندانپزشکان اعلام شده است که این آزمون صرفاً برای حدود ۱۶۰ نفر و فقط برای حل و فصل یک پرونده قدیمی برگزار می‌شود. دندانپزشکان منتقد معتقدند که علاوه بر این، در گذشته نیز

منابع

پیوند به بیرون

ادامه از صفحه یک

ب- آسیب‌شناسی قرآن کریم از این امر باید موردتوجه جدی قرار گیرد، چه آسیب‌ها و سوءاستفاده‌هایی که در اجرای این قانون توسط درد انجام می‌پذیرد و چه آسیب‌هایی که از سوی زن متوجه کیان خانواده یا ضرر و زیان مرد می‌گردد. در مورد نخست وجود آیات متعدد بیانگر شیوع این آسیب و اشاره به موانع تحقق و اجرایی‌شدن آن دارد، از جمله عدم پرداخت این حق مالی توسط مرد یا تلاش برای دریافت آنچه به‌عنوان مهریه پرداخته یا باز پس‌گیری بخشی از آن پس از پرداخت که جزو مواردی است که در آیات قرآن کریم مکرر به آن اشاره شده است.

در سورهٔ نساء آیهٔ ۲۴ و آیهٔ ۱۹ امر به دادن مهریه و پرهیز از سسختگیری یا فشار آوردن به زن برای برگرداندن بخشی از مهریه کرده است و در آیهٔ بیست این سوره تأکید می‌کند اگر به اندازهٔ قطاری (به تعبیر مفسران مقدار زیاد و شبیه پوست گاوِ پُر از طلا) مهریه به زن داده بوده چیزی را بازپس نگیرد و در ادامه تعبیر تند و نکوهش‌گونه‌ای در این امر به کار می‌گیرد: «اتاخذونه بهتانا و اثما مینبا» (نساء/ ۲۰) و عتاب می‌کند که آیا می‌خواهید حق آن زنان را با بهتان و گناه از آنان سلب نمایید؟!

همین آسیب‌شناسی در تعاملات مرتبط با مهریه در قرآن کریم نسبت به زنان نیز صورت می‌گیرد. زنانی که مدت ازدواج کوتاهی داشته‌و در دوران عقد طلاق واقع می‌شوند، جهت جلوگیری از اضرار به مرد مطرح می‌شود که اگر طلاق در زمان عقد اتفاق افتاد نمیی از مهر به زن تعلق گیرد یا اگر زن به‌صورت یک‌جانبه خواستار طلاق خلع بود یا بخشیدن مهریه از ضرر مالی مرد جلوگیری به عمل آید.

ج- باید عنایت نمود که مهریه یکی از حقوق زن در منظومه حقوق مالی دیگر مانند ارث، دیه، نخله و اجرت‌المثل است و اگر فلسفه آن جبران کم‌بهرگی مالی او در یک‌هشتم یا یک‌چهارم بودن ارث باشد و اگر آن را پشتوانه‌ای برای او و آرامش بخشی برای پرداختن به امر بزرگ فرزندآوری و تربیت نسل دانست، باید نسبت به اجرای سنت متداول اسلامی در پرداخت مهریه در آغاز ازدواج یا هرگاه زن طلب نماید، تأکید نمود که عمل به این سیره معصومین خود وسیله‌ای برای معقول و منطقی گردیدن سقف مهری‌ها خواهد شد.

د- از جمله سیره متداول اهل بیت تقدیربودن مهریه و در حد توان مالی زوج بودن، برای امکان اجرا و پرهیز از نسیه‌ای بی‌نیاز نقدبودن مهریه و در حد توان مالی زوج بودن، اصلحیه‌ای که موجب افزایش مهریه به دلیل صعب‌الوصول و غیر منطقی بودن آن شود یا کاهش ازدواج را به دلیل کم‌رنگ کردن ضمانت اجرایی باعث گرددو یا مجازات‌های غیر معقول مانند حبس که برای محکومان جرائم در نظر گرفته شده را ترویج کند، جایگاه خانواده را متزلزل و خوف از ورود به سبک‌های غیر معمول و انحرافی خانواده را افزایش می‌دهد و از هدف اصلی تشکیل این کانون مودت و رحمت دور می‌سازد.

بنابراین مقدمه، هرگونه اصلاح در قوانین فعلی باید جوانب گوناگون جورچین مالیی خانواده را ببیند و عدم توجه به ظرافت‌ها و پیوند عمیق اخلاق و حقوق در خانواده می‌تواند تبعاتی ناگوارتر از آنچه با آن روبه‌رو هستیم را به بار آورد و مصداقی باشد بر «از قضا سرکنگبین صغرا افزود.»

اما توجه به مواد طرح اصلاح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی:

آزمون ویژه برای ۱۶۰ بهداشت‌کار دهان، نه مسئله مناطق محروم را حل می‌کند و نه مسئله عدالت آموزشی را

تکرار چرخهٔ ناکارآمدی در سیاست دندانپزشکی؟

رسیدگی به مناطق محروم، مردم روستاها و مشکلاتشان بود. اگر واقعاً دنبال چنین اهدافی بودیم، وقتی این افراد را تربیت کردیم و بعد گفتیم دندان‌پزشک بشوند، چرا رفتند جاهایی که بتوانند مطب خصوصی بزنند و درآمد کسب کنند؟ این افراد شلشدن مدیر و بعد هم تصمیم‌گیرنده و این چرخه ادامه پیدا کرد. بسیاری از دندانپزشکان نسبت به این نحوه دکتر شدن این افراد اعتراض دارند؛ چون این‌ها همان موقع هم که کنکور می‌دادند، رتبه‌شان آن‌قدر خوب نبوده و با شرایط ویژه آمده‌اند.»

وی عنوان کرد: «اتفاقی که در دوره وزارت دکتر هاشمی افتاد این بود، در شهر شیراز آمد و مجوز گرفت که دوباره در آنجا بهداشت‌کار تربیت کنند. در دهه ۹۰ با اینکه سال‌های زیادی از طرح اولیه گذشته بود، ما تعداد خیلی زیادی دندان‌پزشک داشتیم. الان هم تمام مراکز بهداشتی ما با نیروهای طرحی تقریباً پر هستند و اگر هم جایی پر نیست، به‌خاطر کمبود دندان‌پزشک نیست، بلکه به‌خاطر حقوق بسیار پایین است.»

دانشور توضیح داد: «خلاصه این داستانی است که اکنون وجود دارد و مربوط به همان افرادی است که در آن بازه آمده‌و وزارت بهداشتِ دکتر هاشمی برایشان یک مجوز محدود صادر کرد. آن‌ها شش سالشان گذشته و بعد از طریق دیوان عدالت اداری اقدام در کنکور کردند و حکم گرفتند که «آزمون را برای ما برگزار کنید، ما هم دکتر شویم.» همان‌طور که گفتیم، این ماجرا خودش اشکال دارد؛ یعنی همان زمان هم که تصویب شد، بحث ۴۰ نفر بود؛ چرا ۱۶۰ نفر شدند؟ یک شهر بود؛ چرا دو شهر شد؟ یعنی در همان مرحله هم مسئله وجود داشت.»

آمارها درباره توزیع دندانپزشک چه می‌گوید؟

مشکلات در مان دندان و حوزه دندانپزشکی در کشور مان تنها در هز نه‌های بالا تعریف نمی‌شود و هزینه نامتعارف دندانپزشکی یکی از مشکلات این حوزه است. در آن سسوی ماجرا اما عدم توزیع مناسب دندانپزشکان در شهرهای مختلف و متمرکز شدن دندانپزشکان عمومی و تخصصی در کلانشهرها و مراکز استان‌ها از دیگر مشکلات حوزه درمان دندان است. براساس آخرین آمار منتشرشده توسط سازمان نظام‌پزشکی ایران، سرانه دندانپزشکان عمومی و متخصص در ایران به ترتیب ۳۸ و شش دندانپزشک در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است. استان تهران و سیستان‌و بلوچستان به ترتیب با سرانه ۱۰۱ و ۱۵ دندانپزشک عمومی، ۱۶ و سه دندانپزشک متخصص به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، برخوردارترین و محروم‌ترین استان از نظر سرانه دندانپزشکان عمومی و متخصص در کشور هستند. در گفت‌وگوهایی که «فرهیختگان» با دندانپزشکان انجام داده است، این نکته بارها از سوی دندانپزشکان مختلف مطرح شده که دندانپزشکان کشور عمدتاً به دلیل کمبود امکانات و نبود زیرساخت‌های مناسب، تمایلی به حضور در مناطق محروم ندارند و اگر وضعیت امکانات چه در حوزه شهری و چه در حوزه تخصصی دندانپزشکی بهتر بود، شاید امروز با مشکل عدم توزیع نامناسب دندانپزشکان در کشور روبه‌رو نبودیم.

۴۴ درصد کل دندانپزشکان در تهران هستند

در گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است که تا سال ۹۸ در ایران

تعهدش است و از امور جالب توجه آنکه فقها استفاده از حق حبس توسط زوج‌ه را موجب اسقاط نفقه نیز نمی‌دانند و برخی فقها مانند علامه حلی بر این حق حتی در صورت اصرار زوج نیز تأکید می‌نمایند: «ولیهاَن تمنع من تسلیم نفسها حتی تقبض مهرها کان الزوج موسرا او معسرا» (تحریر الاحکام الشرعیه /ج ۲ ص ۲۶۹) از آنچه پیشنهادشده که مادهٔ ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی «وظائف در مقابل شوهر» را به «تمکین خاص» منتهصر کند نه تنها با فتاوای اکثر فقها که با رای وحدت رویه ۷۱۸ دیوان عالی کشور نیز مخالف است. همچنین در تبصره این ماده تلاش شده با اولین قسط این حق زوج‌ه را ساقط کند و هیچ تعدیری در صورت استنکاف مرد در پرداخت اقساط بعد نیندیشیده است.

با وجود اینکه استفاده از این حق در میان زنان جامعه ما بسیار نادر اتفاق می‌افتد و معمولاً در آغاز ازدواج سخن گفتن از مهر و امور مالی در عرف خانواده‌ها پسندیده نیست ولی باید توجه داشت که تعصیق حقی که خداوند برای زن در نظر گرفته مشمول همان ظلم به زن در منازل است که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تأکید نموده و از قانون‌گذاران خواسته‌اند قانونی وضع کنند و جلوی این ظلم را بگیرند.

ماده ۷

در این ماده که به نظر می‌رسد اصلاحاتی به هدف دادن برخی امتیازات به زن برای اخذ حق طلاق صورت گرفته است متأسفانه نه تنها به حق شرعی زن در اسکان بی‌توجهی شده است که به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی چنین حکمی نیز حداقل بنام صورت گرفته است. در واقع این ماده تلاش کرده در راستای اثبات عسر و حرج مصداقی را در قانون بیاورد که البته دامنه عسر و حرج محدود به این امور نیست و هم‌اکنون در محاکم به صورت‌های گوناگون و البته گاه بسیار متفاوت عمل می‌شود و اگر قرار باشد استاندارد برای آن مکتوب شود قطعاً در این ماده کوتاه نمی‌کنجد.

اما آنچه در این ماده به عنوان دو سال زندگی جدای از زوج برای گرفتن حق طلاق طرح گردیده با نص صریح قرآن که می‌گوید زن باید در محل سکونی که مرد تهیه کرده ساکن باشد و حتی در دوره عده طلاق هم مرد نمی‌تواند او را از آن خارج کند؛ ناسازگار است:

«لا تفرجوهن من بیوتهن و لا یفرجن...» (طلاق/۱)

و خداوند تأکید می‌فرماید که این احکام حدود الهی است و از آنها فراتر نروید.

علاوه بر آن پیشنهاد چنین امری در قانون تبعات اخلاقی و فرهنگی برای زن و خانواده به دنبال خواهد داشت درحالی‌که تقویت راهکارهای طلاق خلع و تدوین آیین‌نامه اجرایی برای آن در دستگاه قضا می‌تواند از مسیر شرعی حقوق زن را استیفا کند.
در این ماده به آن پرداخته شده برخی از مصداق عسر و حرج است که در ماده ۱۱۳ قانون مدنی ضوابط آن ذکر گردیده و البته از سوی قوه قضائیه در حال اصلاح است و در معاونت زنان دولت سیزدهم نیز لایحه اصلاحیه برای مواد متعدد قوانین مربوط به خانواده و از جمله عسر و حرج به کمیسیون ارسال گردیده است.

۳۰۸۱۱ دندانپزشک عمومی و ۴۵۹۳ دندانپزشک متخصص وجود داشته است. این تعداد نشان‌دهنده حضور ۴۳ دندانپزشک در هر ۱۰۰هزار نفر است. براساس این مطالعه، بررسی توزیع دندانپزشکان عمومی دارای پروانه پزشکی و شاغل در کشور حاکی از آن است که ۶۵ درصد آن‌ها در مرکز استان‌ها مشغول به کارند. استان تهران ۴۴٫۳ درصد از کل دندانپزشکان عمومی کشور را به خود اختصاص داده است و به این ترتیب در رتبه نخست سرانه دندانپزشک عمومی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در بین ۳۱ استان قرار گرفته است. حدود ۲۰ درصد از دندانپزشکان عمومی کل کشور نیز پس از استان تهران، در استان‌های اصفهان، یزد، البرز، فارس، مازندران و گیلان فعالیت دارند. در سال ۱۳۸۸ استان‌های تهران، اصفهان و یزد بیشترین نسبت دندانپزشک عمومی به جمعیت را داشتند و پس از ۱۰ سال همچنان برترین استان‌ها هستند. ارائه خدمات تخصصی دندانپزشکی، استان‌های تهران و ایلام بیشترین نسبت دندانپزشک متخصص به جمعیت را دارند. همچنین گزارش‌های منتشرشده در این زمینه نشان می‌دهد تراکم دندانپزشکان در استان‌های مرکزی کشور در مقایسه با استان‌های مرزی بیشتر است.

صدرنشین توزیع دندانپزشک در کشور تهران است

استان تهران با سرانه کل ۱۱۶ دندانپزشک (عمومی و متخصص) به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، در رتبه نخست از نظر توزیع دندانپزشک در کشور قرار دارد. پس از آن، استان‌های یزد، اصفهان و فارس به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. میانگین سرانه کل کشور نیز، ۴۴ دندانپزشک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است. از بین ۳۱ استان کشور، ۱۱ استان سرانه‌ای بالاتر از میانگین سرانه دندانپزشک در کشور دارند. استان سیستان‌و بلوچستان با سرانه ۱۸ دندانپزشک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، محروم‌ترین استان از نظر تعداد دندانپزشک است که اختلاف سرانه دندانپزشک در آن با برخوردارترین استان یعنی تهران، ۹۸ دندانپزشک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت است. طی چند دهه اخیر، تعداد دندانپزشک متخصص تربیت‌شده در کشور از کمتر از ۵۰ متخصص دندانپزشک پیش از انقلاب اسلامی به ۵۸۰۸ متخصص دندانپزشک در سال ۱۴۰۲ رسیده است؛ اما این افزایش تعداد دندانپزشکان متخصص منجر به ارتقای سلامت دهان و دندان مردم نشده است. از دیگر چالش‌های موجود در حوزه دندانپزشکی کشور که خود دندانپزشکان نیز به آن اذعان دارند، کمبود تجهیزات و زیرساخت‌های لازم و همچنین دشواری دسترسی به مواد اولیه باکیفیت و قیمت مطلوب در حوزه دندانپزشکی است. آن‌گونه که پیداست، ظاهراً آندندانپزشکان عمومی و شاغل در مراکز دولتی گاهی از اولیه‌ترین تجهیزات برای ارائه خدمات به بیمار هم محروم هستند و به دلیل همین مسئله دندانپزشکان مایل به خدمت در مناطق محروم و روستایی نیستند؛ چراکه به هتفه آن‌ها مراکز دولتی ساده‌ترین تجهیزات و مواد اولیه را در اختیار دندانپزشک برای در مان و ویزیت بیماران قرار نمی‌دهند. اکنون باید دید که تبدیل وضعیت ۱۶۰ نفر از بهداشت‌کاران دهان و دندان باز هم چرخه قبلی عدم دسترسی مناطق محروم به دندانپزشک را تکرار خواهد کرد یا وزارت بهداشت، مجبور خواهد شد که زیرساخت‌ها را برای حضور دندانپزشکان تقویت کند؟

همچنین در بند ۶ این ماده شرط وقوع این امر را بذل کلیه حقوق مادی زن می‌شمارد درحالی‌که شرعا و در طلاق خلع زن با بخشش بخشی از این حقوق نیز می‌تواند از حق طلاق مذکور بهره‌مند شود. لازم‌به ذکر است که اگر چنین تبصره‌ها و سوادی قرار است به‌قانون الحاق شود وضعیت مالی زن از جهات مختلف از جمله سنوائی که زندگی مشترک داشته و اجرت‌المثلی که به او تعلق می‌گیرد چه در قالب حقیقی و چه در قالب نخله باید مورد توجه باشد و زن بدون هرگونه پشتوانه مالی در جامعه رها نشود و قاضی موظف باشد همان‌گونه که در محاسبه مهر به‌عنوان دین، مستثنیات دین را جدا می‌کند امکان زندگی زن درصورتی که فاقد شرایط اقتصادی مناسب باشد و بدون تبعات اجتماعی محتمل را در صورت گذشت از کلیه حقوق مالی مورد بررسی قرار دهد.

خانمه

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد مهریه یکی از انواع حقوق مالی زن در خانواده است که اسلام در راستای تکریم زن و به هدف استحکام بنای خانواده، تضمین پابندی روح و آرامش خاطر زن و یا وجود ضمانت مالی برای زن در نظر گرفته است. آنچه از سنت مستفاد است تقد بودن مهریه، توصیه به سبک بودن آن، در توان و استطاعت مرد بودن از شیوه‌ها و توصیه‌هایی است که متأسفانه متروک گردیده و همین امر موجب خروج مهریه از مسیر صحیح آن شده است؛ لذا اگر باید اصلاحی صورت بگیرد که باید بگیرد ضروری است به طور کامل و مستوفی امور حقوقی و مالی ازدواج مورد بازبینی قرار گیرد و زخمی نمودن بخشی و چشم‌پوشی از بخشی دیگر قطعاً صورت کاریکاتوری و نامتوازن به آن می‌دهد و مشکل را از محلی به محل دیگر منتقل می‌کند؛ لذا پیشنهاد می‌شود:
۱- محکومان مهریه از زمره سایر محکومیت‌های مالی و جرائم خارج و احکام آن در قانون حمایت از خانواده مورد توجه قرار گیرد.
ثانیاً موارد زیر در شروط عقدنامه برای واقعی شدن مهریه و تأمین مالی زن لحاظ‌شود تا هرگونه ظلم و احیاحف به هر یک از زوجین جلوگیری به عمل آید.

- تقسیم مهریه و پرداخت آن یا به صورت نقد یا در سال‌های نخست زندگی.
- استطاعت‌سنجی زوج در پرداخت مهریه و در سنوائی که نسبت به آن متعهد می‌شود.
- پرداختن به برخی دیگر از حقوق مالی زن در شروط ضمن عقد مانند اجرت‌المثل پس از سنوات زندگی مشترک به صورت تصاعدی تا موجب کاهش میزان مهریه و جهت‌دهی امور مالی زن به پایداری در ازدواج و سازگاری در زندگی باشد و از سوءاستفاده‌های احتمالی مانند آنچه در مهریه ذکر می‌شود جلوگیری شود.
- باعث‌ای به اینکه هم‌اکنون مهریه تبدیل به تنها اهرم و حق قانونی زن برای مقابله با آسیب‌ها و مشکلاتی که از سوی زوج وارد می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد توسع در شروط ضمن عقد و تأمین آرامش زوجین با قاره‌های عادلانه می‌تواند از فشار مهریه و تبعات آن یکپا‌ده که جزئیات آن در این مختصر نمی‌گنجد و امید است قوه قضائیه با تشکیل اتاق فکر خاص خانواده، نگاه یکپارچه‌ای را به این مقوله داشته باشد و اصلاحات بنیادی و جامعی را در این زمینه و در قالب لایحه ارائه نماید.